

گزیده‌ی حرف‌های شاعران صدر جنبش حجم

(بررسی کتاب، مروارید، زمستان ۱۳۴۹)

از حرف‌های یدالله رویایی:

◀ اگر کار شعر فقط گفتن باشد در تاریخ ادبیات انبوه شاعر داریم.
اگر کار شعر هیجان آنچه برای گفتن داریم و طرز بیان آن هیجان باشد تا زمان
نیما فقط نظامی و حافظ و رومی داریم.
اگر کار شعر دیگر گفتن چیزی نباشد ولی ساختن یک قطعه باشد تا زمان نیما
و کیا شاعر نداریم.

◀ این را دیگر حالا همه می‌دانند و می‌گویند که هنر پارازیتی از واقعیت
نیست و از آن جایی که تقلید تمام می‌شود او شروع می‌شود.

◀ حجم‌گرا بدو از واقعیت یک عبور سریع ذهنی دارد، ترکش می‌کند،
بطوریکه وقتی از آن سوی واقعیت بیرون می‌آید با یک تجربه و با یک واحد
حرف بیرون می‌آید. و همان واحد حرف را حجمی برای رفتن به ماوراء می‌کند.
و همان واحد حرف، یک سکو، یک اسکله، یک فاصله‌ی فضائی، پاره فضا

(اسپاسمان) برای پریدن می‌سازد.

◀ حجم‌گرایی متعلق به هیچ مکتب نیست، و مکتب نیست. نه مربوط به زمان خاصی است و نه مربوط به سرزمینی خاص. حجم‌گرایی مربوط به فرهنگ بشریت است. کلیدی‌ست برای رویت‌های بی‌مرز...

◀ باید به شدت این مسئله را جدی گرفت که اعتقاد به این داشته باشیم که در پشت سر اشیاء و علامات، وعده‌هایی و علامات دیگریست که فقط شاعر را احضار می‌کند. شاعر حجم‌گرا شاعر سرعت‌های مدید و شاعر ساختمان‌های سریع است. تصویری که می‌خواهد به تاریکی برود می‌گذارد تا برود، اما دم درگاه می‌گیردش. خیلی راحت است که بگذارد بگذرد، اما طبیعت حضور او تمام در آستانه‌ی تاریکی‌ست.

از حرف‌های بیژن الهی:

◀ شعر تعقیب حقیقت است از بیراهه، و که این مذهب رابطه‌هاست. اما با شناخت راه و رابطه است که بیراهه را می‌شناسی.

◀ در شعر «تشریح پیاز» می‌گوید:

بی‌مغز، در عوض / تو در تو / مغز اما چیست / جز روابط تویه‌ها؟ / گشودن
دوایر بی‌مرکز / آشفتن رابطه‌ها است. / و مد بینائی.

◀ قرار دادی را پذیرفتن در نپذیرفتن هیچ قراردادی یک حرکت عرفانی است. و در حقیقت فضای حجم یک فضای عرفانی است.

◀ این حرکت یک حرکت ایرانی است، همانطور که عرفانیت، ایرانی است. حرکت ما عرفانی در شعر است. ما در شعر عرفان می‌کنیم.

از حرف‌های پرویز اسلامپور:

◀ حجم سکوی پرتاب است، و ظرفیت دور جهان‌های ناپیدای شعر.
◀ پرش از حجم، روحانیت افتادن است. و حجم فضای این روحانیت.
به مثابه‌ی آن نیروی ایمانی است که پرش سفینه‌های دور پرواز را در اراده‌ی خداوندی می‌آورد.

چند جمله‌ی کلیدی در بیانیه‌ی شعر حجم:

(espacementalisme)

◀ حجم‌گرایی (یا اسپاسمانتالیسم) آنهایی را گروه می‌کند که در ماورای واقعیت‌ها، به جستجوی دریافت‌های مطلق و فوری و بی‌تسکین‌اند.

◀ از حکمت وجودی واقعیت و از علت غائی آن برخاسته است و در تظاهر خود، خود را با واقعیت مادر آشنا نمی‌کند.

◀ حجم‌گرایی نه خودکاری است، نه اختیاری. جذبه‌هایی ارادی یا اراده‌ای مجذوب است. جذبه‌اش از زیبایی است، و اراده‌اش از شور و از شعور، و از توقع فرم.

◀ شعر حجم، شعر حرف‌های قشنگ نیست، شعر کمال است. در کمالش وحشی است و در کشف زیبایی خوشونت می‌کند.

◀ در زندگی روزمره و در زبان کوچه توقف نمی‌کند.

◀ ما تصویری از اشیاء نمی‌دهیم، منظری از علت غائی آنها می‌سازیم.

◀ کار شعر، گفتن نیست. خلق یک قطعه است، یعنی شعر باید خودش موضوع خودش باشد.

◀ شعر حجم از دروغ ایدئولوژی و از حجره‌ی تعهد می‌گریزد. و پیش از آنکه متعهد بشود متعهد می‌کند.

◀ اسپاسمانتالیسم (حجم‌گرایی)، سوررئالیسم نیست. فرقی این است که با گذار از سه بعد به ماوراء می‌رسد. و در این رسیدن فقط در یک جا با هم ملاقات می‌کنند: در جهیدن از طول.

◀ نه هوس است نه تفنن. تپشی است خشن و عصبی. هنر شاعری، در انسانی دیوانه‌ی شعر.

◀ حجم‌گرایی و اسپاسمانتالیسم سبک شعر دیگر ایران است. شاعرانی را گروه می‌کند که به تجربه‌ی کارهای خویش رسیده‌اند، به لذت پریدن‌های از سه بعد.